



«حلقات»

درس صد و چهاردهم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای عطایی کمال

در درس گذشته گفته شد سیره عقلاء بر دو قسم است :

الف) سیره ای که به لحاظ مرحله واقع و کشف حکم واقعی شکل گرفته است .

ب) سیره ای که به لحاظ مرحله ظاهر و کشف حکم ظاهری شکل گرفته است .

حال در پی پاسخ به این پرسش هستیم که آیا ضابطه « دلالت سکوت معصوم بر تائید » را می توان بر این دو قسم سیره

عقلا تطبیق داد یا خیر؟

تطبیق این ضابطه بر سیره های نوع اول دشوار نیست اما در تطبیق آن بر سیره های نوع دوم اشکالاتی مطرح شده است.

در این درس به تبیین مقدمات این اشکال ها خواهیم پرداخت و خود اشکال ها در درس آینده مورد بررسی قرار خواهند

گرفت .

و لا ريب فى انطباق ما ذكرناه عليه، حيث ان الشارع لا بد ان يكون له حكم تكليفى أو وضعى فيما يتعلق بذلك التصرف، فان لم يكن مطابقاً لما يفترضه العقلاء و يجرون عليه من حكم كان على المعصوم ان يردعهم عن ذلك فسكوته يدل على الإمضاء. و اما النوع الثانى فيستدل به عادة على أحكام شرعية ظاهرية، كحكم الشارع بحجية قول اللغوى و حجية خبر الثقة، و هكذا . و فى هذا النوع قد يستشكل فى تطبيق ما ذكرناه عليه، و توضيح الاستشكال ان التعويل على الأمارات الظنية كقول اللغوى و خبر الثقة له مقامان.

المقام الأول التعويل عليها بصدد تحصيل الشخص لأغراضه الشخصية التكوينية من قبيل ان يكون لشخص غرض فى ان يستعمل كلمة معينة فى كتابه، فيرجع إلى اللغوى فى فهم معن اها ليستعملها فى الموضع المناسب، و يكتفى فى هذا المجال بالظن الحاصل من قول اللغوى.

المقام الثانى: التعويل عليها بصدد تحصيل الشخص المأمور لمؤمن امام الأمر، أو تحصيل الشخص الأمر لمنجز للتكليف على مأموره من قبيل ان يقول الأمر: أكرم العالم و لا يدري المأمور ان كلمة العالم هل تشمل من كان لديه علم و زال علمه أو لا؟ فيرجع إلى قول اللغوى لتكون شهادته بالشمول منجزة، و حجة للمولى على المكلف و شهادته بعدم الشمول معذرة و حجة للمأمور على المولى.

حکم سیره به لحاظ مرحله واقع

در صورت سکوت معصوم در برابر چنین سیره‌هایی می‌توان تأیید او را استنباط و یک حکم شرعی واقعی را با استناد به این سیره به‌دست آورد.

دلیل (که در ضمن ۴ بند بیان می‌شود) :

الف - تمام وقایع و عملکرد حیات آدمیان دارای حکمی از احکام شرعی است که این حکم می‌تواند تکلیفی و یا وضعی باشد.

ب - سیره مورد بحث نیز همینگونه بوده و حتما دارای حکمی از احکام شرعی است.

ج - اگر حکم شرعی نسبت به سیره‌ای با آنچه که مورد ارتکاز عقلاء در آن سیره است مخالفت داشته باشد بر معصوم لازم است آن سیره را رد کند.

د - سکوت معصوم در برابر سیره‌ای نشان‌دهنده عدم مخالفت حکم آن سیره با شریعت و در نتیجه تأیید آن است.

حکم سیره، به لحاظ مرحله ظاهر

فقهاء از این نوع سیره‌ها برای استنباط احکام شرعی ظاهری استفاده می‌کنند ولی برخی در استناد به سکوت معصوم در تأیید این نوع از سیره‌ها اشکال کرده‌اند.

برای تبیین این اشکال نخست باید در ضمن مقدمه‌ای به دسته‌بندی این نوع از سیره‌ها بپردازیم.

سیره‌هایی که به لحاظ مرحله ظاهر شکل می‌گیرند عمدتاً سیره‌هایی هستند که مبتنی بر رجوع و اعتماد عقلاء به امارات ظنی به هنگام شک در امور واقعی می‌باشند. رجوع به امارات ظنی به دو شکل صورت می‌گیرد:

۱ - رجوع به منظور تحصیل اغراض تکوینی

توضیح: غرض تکوینی غرضی است که مربوط به امور شخصی می‌باشد بدون اینکه فرض آمر و مامور در میان باشد

مثال: رجوع به قول لغوی توسط شخصی که معنای لغتی را در کتاب مورد مطالعه خود نمی‌داند و یا قصد استفاده از لغتی را در نوشته‌اش دارد ولی معنای دقیق آن را نمی‌داند.

۲ - رجوع به منظور تحصیل اغراض تشریعی

توضیح: غرض تشریعی غرضی است که مربوط به روابط بین آمر و مأمور است به این شکل که ممکن است هر کدام از آمر و مأمور برای تحصیل حجت در برابر دیگری به یک اماره ظنی رجوع کند.

نکته: حجتی که آمر در قبال مأمور ارائه می کند «منجَز» نام دارد چون موجب ثبوت حق طاعت برای آمر است و حجتی که مأمور در قبال آمر ارائه می کند «مَعْدَر» نامیده می شود چون موجب سقوط حق طاعت از آمر است. مثال (برای نکته): رجوع به قول لغوی در مرافعات بین آمر و مأمور؛ مثلاً: رئیس به مرئوس خ و د می گوید «اکرم کل عالم».

فرض بر این است که دایره مصادیق واژه عالم برای مأمور مبهم است. مثلاً نمی داند که این واژه فقط مختص به عالم‌های بالفعل است یا کسانی که سابقاً عالم بوده و در حال حاضر علم‌شان زائل شده را نیز شامل می شود. حال اگر مأمور به دنبال عدم اکرام کسانی است که علم‌شان زائل شده باید به دنبال حجتی باشد تا با ارائه آن به آمر، تکلیف را از گردن خود ساقط کند (مَعْدَر) این حجت می تواند بنا بر سیره عقلاء در رجوع به ظن حاصل از قول لغوی باشد به شرط اینکه لغوی واژه عالم را شامل این افراد نداند.

همچنین اگر آمر نیز با علم به نظر لغویین مبنی بر شمول چنین افرادی، امرش را صادر کرده باشد می تواند بنابر سیره رایج بین عقلاء، قول لغوی را حجتی برای بازخواست مأمور در ارتباط با اکرام این دسته از افراد قرار دهد. (منجَز)

۱. سیره هایی که به لحاظ مرحله واقع شکل گرفته اند در صورت سکوت معصوم می توانند دلیل یک حکم شرعی واقعی قرار بگیرند.

۲. سیره هایی که به لحاظ مرحله ظاهر شکل گرفته اند عمدتاً سیره هایی هستند مبتنی بر رجوع عقلاء به امارات ظنی. این رجوع با دو غرض صورت می گیرد :

الف) رجوع به منظور برآورده شدن اغراض تکوینی

ب) رجوع به منظور بر آورده شدن اغراض تشریعی

۳. اغراض تشریعی اغراضی هستند که بواسطه روابط خاص بین آمر و مامور در حوزه امر و نهی و اطاعت و سرپیچی شکل می گیرند.

۴. درباره سیره هایی که به لحاظ ظاهر شکل گرفته اند این سؤال مطرح می شود که آیا سکوت معصوم در برابر هر دو نوع این سیره ها به معنای تایید آنهاست و یا فرقی بین آن دو وجود دارد.

۵. حجتی که آمر در قبال مامور ارائه می کند منجز نامیده می شود.

۶. حجتی که مامور در قبال آمر ارائه می کند معذر نامیده می شود.